

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مروری بر مسائل اقتصاد ایران و راه حل های آن

میثم پيله فروش

دی ۱۴۰۲



سورة الإسراء آية ١٦

مهمترین مسایل در بیانیه گام دوم

- ۱- وابستگی اقتصاد به نفت
- ۲- دولتی بودن بخشهایی که در حیطه‌ی وظایف دولت نیست
- ۳- نگاه به خارج و نه به توان و ظرفیت داخلی
- ۴- استفاده‌ی اندک از ظرفیت نیروی انسانی کشور
- ۵- بودجه بندی معیوب و نامتوازن
- ۶- عدم ثبات سیاستهای اجرائی اقتصاد
- ۷- عدم رعایت اولویتهای
- ۸- وجود هزینه‌های زائد و مسرفانه در بخشهایی از دستگاه‌های حکومتی

مهم ترین راه حل‌ها در بیانیه گام دوم

● درون‌زایی اقتصاد کشور

● مولد شدن و دانش‌بنیان شدن

● مردمی کردن اقتصاد و تصدیگری نکردن دولت

● برون‌گرایی با استفاده از ظرفیتهای

● سپردن کار به دست یک مجموعه‌ی جوان و دانا و مؤمن

و مسلط بر دانسته‌های اقتصادی

مروری بر مسائل اقتصادی کشور

● وابستگی بودجه به نفت،

- کسری بودجه مزمن و تأمین مالی دولت متکی بر خام‌فروشی و آینده‌فروشی،
- ناتوانی دولت در دریافت مالیات از ثروتمندان و دلالان = فرار گسترده مالیاتی،
- نظام ارتقاء و استخدام دولتی غیرشفاف و رانتهی،
- نظام بانکی مخرب و ضد تولید،
- طرح‌های نیمه تمام عمرانی و بعضاً فاقد توجیه،

● توزیع ناکارای یارانه‌ها،

- نظام بازنشستگی وابسته به بودجه عمومی،
- قاچاق و ناتوانی در مدیریت مرزها،
- آلودگی زیست محیطی،

- فناوری وابسته به خارج
- تولید بی کیفیت
- استفاده غیربهبینه از انرژی، آب و سایر منابع طبیعی،
- فقدان راهبرد حمایت موثر از تولید،
- نظام آموزشی بی ارتباط با مهارت های مورد نیاز بازار کار،
- بهره وری پایین نیروی کار،
- سهم کم نیروی کار از ارزش افزوده ایجاد شده،
- فقر شاغلین
- بیکاری گسترده جوانان
- توسعه غیرمتوازن مناطق

- عدم سرمایه گذاری کافی به سبب خاموش شدن موتورهای سرمایه گذاری:
سود انباشته شرکت های دولتی صرف سود سهام عدالت و توزیع بین مردم
درآمد فراورده نفتی صادراتی صرف توزیع یارانه نقدی
درآمد فروش داخلی انرژی صرف توزیع یارانه نقدی
کاهش درآمد نفت به سبب تحریم

موتور جایگزین: نظام بانکی در خدمت تولید

ویژگی این مقطع از تاریخ ایران چیست؟

- شکل گیری ایران جدید مبتنی بر باورهای شیعی و متمایز از دستگاه خلافت از حدود ۵۰۰ سال پیش
- پهلوی عنصری ناهمخوان با این جریان رشد و بالنده ایرانی شیعی
- قدرت گرفتن هویت اسلامی ایرانی با پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل جمهوری اسلامی
- بسط قدرت منطقه ای ایران از مدیترانه تا هند به برکت مقاومت مردم و تدابیر رهبری
- کسب جایگاه ۷۰ دنیا در شاخص توسعه انسانی
- شکل گیری سخت ترین و شکننده ترین و فلج کننده ترین تحریم های تاریخ ضد ملت ایران در ده سال گذشته
- اولویت اقتصاد در نگاه رهبر معظم انقلاب
- تضعیف جایگاه ایران در دنیا هدف اصلی تحریم = جلوگیری از رشد سریع ایران
- اگر در جنگ جدید پیروز نشویم علاوه بر تضعیف جایگاه ایران در دنیا کارآمدی نظام سیاسی نیز به خطر می افتد
- خطای اساسی = گره زدن اقتصاد به مذاکره = بی ثباتی
- خطای راهبردی = سیاستگذاری اقتصادی در کشور به منظور تامین منافع عده ای اندک

تحریم فرصت اصلاحات اساسی در اقتصاد ایران

- از مجموعه اطلاعات و تحلیل های منتشر شده می توان اینگونه نتیجه گرفت که هدفگذاری تحریم های آمریکا علیه ملت ایران، بیشتر از آنکه رسیدن به یک معامله باشد، عمدتاً جهت گیری تضعیف تا مرز تغییر رژیم را دنبال می کند. رصد انجام شده در مورد برآورد سایر مراکز سیاستگذاری و تحلیلی بین المللی نیز عمدتاً بر همین جنبه و حتی فراتر (از جمله تجزیه سرزمینی ایران) تأکید می کند.
- شرایطی که بر اثر تحریم ها ایجاد شده میتواند زمان مناسبی برای اجرای اصلاحات ضروری در اقتصاد ایران، و تبدیل این تهدید به فرصت باشد. اصلاحاتی که انجام آن سال ها به تاخیر افتاده و هر باره مُخدری به نام منابع نفتی، سبب تاخیر در اجرای آن شده است. چشمپوشی از تغییرات اساسی در رویکردهای جاری اقتصاد ایران و اکتفا به اقدامات حاشیه ای، جوابگوی وضعیت کنونی نیست و خطرات شدید امنیتی و سیاسی برای نظام و کشور در پی خواهد داشت.
- به عبارت دیگر، با خروج آمریکا از برجام و اثبات بدعهدی غرب و در راس آن آمریکا بر همگان، بالاترین سرمایه اجتماعی برای مقابله با استکبار جهانی بدست آمده که ضروری است با عزم جدی مدیران و تصمیم گیران کشور برای اصلاح ملازم گردد.

تحریم فرصت اصلاحات اساسی در اقتصاد ایران

- نکته مهم در اجرای اصلاحات اقتصادی به منظور مقاوم کردن اقتصاد در برابر تحریم این است که هزینه اجرای هر سیاست را چه کسانی تحمل کنند؟

- به عبارت دیگر، اجرای هر اقدام اصلاحی برندگان و بازندگان خاص خود را دارد. **لازم است حاکمیت، عامه‌ی مردم را به عنوان شرکای راهبردی خود انتخاب کند و در نتیجه هزینه اجرای اصلاحات اقتصادی تا جایی که ممکن است بر دوش عامه مردم قرار نگیرد.** می‌توان نشان داد که نتیجه بسیاری از رویکردهای اتخاذ شده در کشور، عمدتاً تأمین منافع طبقات ثروتمند بوده، و اکنون لازم است منافع اقشار متوسط به پایین در اولویت تصمیم‌گیری‌ها قرار گیرد.

ایجاد فرصت توسعه مستقل ایران

- بی نتیجه ماندن راهبرد «کج دار و مریز» با غرب و در رأس آن ایالات متحده آمریکا (در قالب مذاکرات هسته ای) در سال های اخیر (که پیامدهای سنگینی بر رفاه مردم ایران داشت)، این سوال تاریخی را (که به ویژه پس از جنگ های ایران و روس مطرح شد) برجسته کرد که راه صحیح مواجهه ایران و غرب چیست؟ **«رابطه توسعه و استقلال ایران» چیست؟ آیا میتوان با حفظ استقلال کشور، توسعه ایران را رقم زد؟**
- مساله کلیدی این مقطع تاریخ ایران، پاسخ به چگونگی توسعه مستقل کشور است. دولت پهلوی با وابستگی به (انگلیس و امریکا) در پی مدلی از توسعه کشور بود که هرچند برخی شاخص های اقتصادی افزایش می یافت اما قدرت واقعی برای ایران ایجاد نمی کرد. به علاوه، فاصله دولت پهلوی و سنت های جامعه ایرانی (به ویژه مذهب) به قدری عمیق بود که توان کافی در دولت برای فراگیری و پیشبرد توسعه ایجاد نمی کرد.
- در دولت قاجار نیز اساسا توان توسعه کشور وجود نداشت.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی (با اصل ولایت مطلقه فقیه) با حل کردن بنیادین تمایز دین و دولت، دین را در جایگاه مدیریت توسعه کشور نشانده و توانمندی و فراگیری دولت را به شکل قابل توجهی ارتقاء داد. اما اتکاء به ضرورت استقلال ایران (که در نهضت ملی شدن نفت ناکام مانده بود) مسائل تازه ای در مسیر توسعه ایران پدید آورده است که مهمترین آن «چگونگی توسعه با وجود دشمنی های قدرت ها جهانی و منطقه ای با ایران قدرتمند است؟»

ایجاد فرصت توسعه مستقل ایران

- اگر نخواهیم به نقش خام فروش و واردکننده فناوری که برای ایران در اقتصاد جهانی تعریف شده، اکتفا کنیم چاره ای جز بی اثر ساختن تحریم‌ها و تقویت قدرت اقتصادی مردم نیست. اما تحقق این هدف بدون توجه به الزامات آن میسر نیست. لازمه دستیابی به اقتصاد مقاوم، برنامه‌ریزی و اجرای دقیق است. بدون برنامه صحیح اجرای قوی به پیمودن مسیر غلط با سرعت بیشتر منجر شده و بدون قدرت اجرایی مناسب، برنامه صحیح و دقیق ابتر مانده و به هدف نمی‌رسد.
- به عبارت دیگر، در حالی که دشمنان، راه تحریم اقتصادی را برای رویارویی و مهار ایران انتخاب کرده‌اند، برخی سیاستهای ناصحیح، زمینه‌ای برای طمع ورزی بیشتر آنان و آسیب پذیری کشور فراهم آورده است. **عده ای از اساس منکر امکان توسعه کشور با حفظ استقلال شده و تنها راه پیشرفت کشور را حرکت در مسیر «تقسیم کار جهانی» می‌دانند. عده ای دیگر نیز با دشوار دانستن مسیر اصلاحات اساسی در اقتصاد ایران، بی‌عملی و تعلل را در دستور کار قرار داده اند.**
- از این رو، لازم است از فرصت به وجود آمده برای تدوین راهبردها و اقدامات اساسی مناسب و متناسب با توسعه مستقل کشور، استفاده شود. **البته، موفقیت آنها نیازمند سیاست‌های مناسب سیاسی، فرهنگی و اجتماعی به ویژه رویکردی مکمل در سیاست خارجی است.**

ریشه اصلی مشکلات اقتصادی کشور چیست؟

- غفلت از قانون اساسی = غفلت از اهداف انقلاب اسلامی

- اداره کشور به روش بچه پولدار ملی

تعبیری که مقام معظم رهبری دارند " بچه پولدار ملی " است نه " بچه پولدار دولتی ". این بدین معنی است که خطاب تنها به دولت نیست بلکه به " ملت " هم هست. مصرف تظاهری طبقه مرفه یک مسئله ملی هست که قاطبه ملت ما این اخلاق بچه پولداری را دارد؛ نمونه آن هم این است که خیلی ها دوست دارند نمایش کالایی که مصرف می کنند بیش از خود آن باشد. متأسفانه در تعداد زیادی از افراد کشور این تفکر وجود دارد که جنس خارجی با یک برند مشخص بخرم!

- کوتاه شدن افق تصمیم گیری ها

- ترازهای بودجه نمایشی = پنهان کردن کسری بودجه

غفلت از قانون اساسی = غفلت از اهداف انقلاب اسلامی

رسالت قانون اساسی این است که زمینه‌های اعتقادی نهضت را عینیت بخشد و شرایطی را به وجود آورد که در آن انسان با ارزش‌های والا و جهانشمول اسلامی پرورش یابد.

هدف از حکومت، رشد دادن انسان در حرکت به سوی نظام الهی است (والی‌الله المصیر) تا زمینه بروز و شکوفایی استعدادها به منظور تجلی ابعاد خدا گونگی انسان فراهم آید (تخلقوا باخلاق الله) و این جز در گرو مشارکت فعال و گسترده تمامی عناصر اجتماع در روند تحول جامعه نمی‌تواند باشد.

با توجه به این جهت، قانون اساسی زمینه چنین مشارکتی را در تمام مراحل تصمیم‌گیری‌های سیاسی و سرنوشت‌ساز برای همه افراد اجتماع فراهم می‌سازد تا در مسیر تکامل انسان هر فردی خود دست اندرکار و مسئول رشد و ارتقاء و رهبری گردد که این همان تحقق حکومت مستضعفین در زمین خواهد بود. (و نرید ان نممن علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمة و نجعلهم الوارثین).

اداره کشور به روش بچه پولدار ملی

- تعبیر بچه پولدار ملی در واقع تعبیری برای استفاده بی‌محابا از درآمدهای نفتی در بودجه‌های عمومی است که می‌توان با چند شاخص آن را تعریف کرد؛
- **اولین شاخص، "وابستگی بودجه به نفت" است.** طبق آمار استخراج شده از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۹۲، متوسط درصد وابستگی بودجه به نفت بیش از ۵۰ درصد است. البته در طول این سال‌ها این رقم یکنواخت نبود؛ به طور مثال در سال ۱۳۶۵ بودجه کشور با ۱۳.۸ درصد کمترین وابستگی و بودجه در سال ۱۳۷۳ با ۷۴.۳ درصد بیشترین وابستگی را به نفت داشت. در دولت‌های مختلف این رقم متفاوت است؛ کمترین دوره وابستگی بودجه به درآمدهای نفتی مربوط به سال‌های جنگ (۱۳۶۱ تا ۱۳۶۸) با ۳۳.۹ درصد می‌شود. در سال ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۶ وابستگی بودجه به نفت ۵۸.۷ درصد بود که این رقم در سال‌های ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۴ به ۵۴.۶ درصد و در سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۲ به ۵۶.۴ درصد رسید.

اداره کشور به روش بچه پولدار ملی

- کاهش بهره‌وری و ارزش افزوده صنعت همزمان با رشد درآمد نفت نشانه‌های بچه پولداری ملی
- شاخص دوم به "صادرات نفت" مربوط است. "صادرات نفت" به قیمت ثابت سال ۱۳۷۳، متوسط ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۵ سالی ۴.۳۳۰ میلیارد دلار بود که در دوره بعد - ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۳ - این رقم به ۵.۵۳ میلیارد دلار و از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۱ به ۱۴.۲۳۰ میلیارد دلار افزایش یافته است. کاملاً افزایش درآمدهای نفتی با افزایش وابستگی به این درآمدها هم‌نواست. همچنین اگر قیمت‌ها جاری نفت را محاسبه کنیم، متوسط سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۵، ۱۵.۸ میلیارد دلار، سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۳، ۲۱.۷ میلیارد دلار و در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۱، ۷۹.۱ میلیارد دلار بود.
- با افزایش درآمدهای نفتی، وابستگی بودجه به نفت و هزینه‌های جاری کشور افزایش می‌یابد اما "رشد کل بهره‌وری" در کارگاه‌های صنعتی کاهش می‌یابد؛ بر این اساس این شاخص در سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۵، ۱.۷۷ بود که این رقم در سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۳ به ۱.۷ و در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۱ به ۱.۵۳ کاهش یافت. انگار با افزایش درآمدهای نفتی دیگر نیاز نیست که از همان چیزی که داریم، استفاده بهتری داشته باشیم. یک ویژگی دیگر، رشد ارزش‌افزوده بخش صنعت است؛ در دوره ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۵ رشد این شاخص هشت درصد بود که در دوره دوم با وجود افزایش درآمدهای نفتی این رقم به شش درصد و در دوره سوم که اوج درآمدهای نفتی است، به ۴.۶ درصد کاهش یافت

اداره کشور به روش بچه پولدار ملی

- افزایش هزینه‌های جاری و رشد واردات رفتار بچه پولداری را تثبیت کرد
- شاخص افزایش "هزینه‌های جاری" به خوبی نشان می‌دهد که هرچه پول درآورده‌ایم خرج کرده‌ایم.
- همچنین برای نشان دادن این امر می‌توان از شاخص "ارز حقیقی" هم استفاده کرد؛ اگر سال ۱۳۸۰ نرخ ارز حقیقی ۱۴۰ تومان بوده سال ۱۳۹۰ این رقم به ۶۰ کاهش یافته است. نرخ حقیقی دلار وقتی به خاطر نفت ارزان شده است نتیجه آن منفی شدن تراز بازرگانی غیر نفتی کشور است که در سال ۱۳۷۰، منفی ۲۰ میلیارد دلار و در سال ۱۳۸۷ منفی ۴۹ میلیارد دلار شده است؛
- یعنی درآمدهای نفتی یا در بودجه جاری هزینه و یا به کالاهای وارداتی تبدیل شده است.

اداره کشور به روش بچه پولدار ملی

- شاخص دیگری که این موضوع را به خوبی روشن می کند، "سهم واردات مواد اولیه و واسطه‌ای از تولید ناخالص داخلی" - عمق تولید - است.
- ممکن است در این سال‌ها افزایش رشد داشته باشیم اما آیا ریشه این افزایش در داخل کشور است یا مربوط به واردات است؟ در سال ۱۳۷۲، سهم واردات از تولید چهار درصد، در سال ۱۳۸۳، ۱۳ درصد و در سال ۱۳۸۷، ۱۷ درصد بود. در واقع رشد وابسته به واردات است؛ به طوری که با تحریم مبادلات مالی و پولی کشور، به سرعت واردات کاهش و در مقابل تولید هم کاهش می‌یابد. آثار این موضوع را در سال ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ شاهد بودیم. اگر تولید کشور عمق داشت در صورت تحریم و کاهش واردات با استفاده از نهاده‌های داخلی، می‌شد تولید را ادامه داد اما وقتی که تولید وابسته به واردات باشد، تولید بسیار آسیب‌پذیر و غیرمقاوم خواهد بود. مطمئن هستیم که در سال ۱۳۹۰ به بعد این رقم بیش از ۲۰ درصد است. نتیجه نرخ ارز حقیقی و وابستگی تولید به واردات را می‌توان در "نرخ اشتغال" بررسی کرد؛ به طوری که تعداد شاغلین در سال ۱۳۷۵، ۱۴.۵۷۲ میلیون نفر، ۱۳۸۰ حدود ۱۶.۹۹۹ میلیون نفر، ۱۳۸۵ حدود ۲۰.۸۳۶ میلیون نفر و سال ۱۳۹۰ حدود ۲۰.۵۱۰ میلیون نفر بود. یعنی با وجود تولید و رشد به تعداد شاغلین آن‌چنان افزوده نشده است؛ این موضوع با سیاست‌های اقتصاد مقاومتی چندان سازگار نیست و کاملاً آسیب‌پذیر بودن اقتصاد را در مقابل تحریم‌ها نشان داد. بررسی شش شاخص گفته شده نشان می‌دهد که ما مانند یک بچه پولدار که به فکر آینده نیستند خرج کردیم

اداره کشور به روش بچه پولدار ملی

- عین یک بچه پولدار تا توانستیم کالای لوکس وارد کردیم
- بخش عظیمی از واردات مربوط به کالاهای نهایی است. بخش مهم از واردات هم کالاهای لوکس است؛ به طور مثال برای واردات خودورهایی بالای ۲۰۰۰ تا ۲۵۰۰ سی سی به راحتی مجوز ورود صادر شد. چرا؟ چون ارز وارد کشور شده اما دولت به ریال آن نیاز دارد در نتیجه دولت مجبور است ارز را از طریق واردات به ریال تبدیل کند.
- بر همین اساس گروه‌های فرصت‌طلب این شرایط استفاده می‌کنند و کالاهای متناسب با سلیقه و ارضاء‌کننده مصرف تجملی خود را وارد می‌کنند که مهمترین این کالاها، خودرو است؛ در واقع افراد با برخی از کالاهایی که در خانه کاربرد دارد به دلیل این که نمی‌توانند به راحتی آن را نمایش دهند ارضاء نمی‌شود، اما برخی کالاها حس نمایش دادن را ارضاء می‌کند مانند خودرو لوکس.

اداره کشور به روش بچه پولدار ملی

- طرح‌های عمرانی نمایشی نمونه بارز خودنمایی بچه پولدار ملی است
- نمونه بارز این قصه طرح‌های عمرانی نمایشی است؛ یعنی باید نشان دهیم که وضع‌مان خوب است درحالی که بیشتر طرح‌های فنی - عمرانی در کشور توجیه اقتصادی، فنی و زیست محیطی ندارد. یعنی معلوم نیست، آیا ساخت فرودگاه، کارخانه و سد در این شهر ضروریست یا نه؟ اما چون پول داریم باید این طرح‌ها اجرا شوند.
- البته این موضوع اختصاص به دولت ندارد بلکه شامل مجلس هم می‌شود. از همه بدتر طرح‌های عمرانی نیمه تمامی است که به دلیل فشار مجلس، دولت یا سایر دستگاه‌ها علی‌رغم توان مالی کشور کلنگ زده می‌شود.

کوتاه شدن افق تصمیم‌گیری‌ها

- چیزی که انگیزه‌های سیاستمداران ما را شکل می‌دهد نهادهای رسمی و غیررسمی است. در این جا وارد نهادهای غیررسمی نمی‌شویم اما در نهادهای غیررسمی مشکل مهمی داریم و آن این است که **شکل نهادهای رسمی ما انگیزه‌های ناسالمی را برای سیاستمداران ما به وجود آورده است. یکی از این نهادهای رسمی که انگیزه‌های سیاستمداران ما را شکل داده است قانون انتخابات مجلس است.**
- **قانون انتخابات مجلس به عنوان یک نهاد رسمی به گونه‌ای است که اگر یک سیاستمدار تصمیمات کوتاه مدت بگیرد منافع اش بیشینه می‌شود** چون در طول یک بازه کوتاه چهارساله عملکرد فردی شما در یک تک حوزه فردی بسیار محدود سنجیده می‌شود، دلیلش هم این است که قانون انتخابات ما براساس انتخابات اکثریتی تک حوزه‌ای است. آیا این قانون را که چنین انگیزه‌هایی را برای سیاستمداران ما ایجاد کرده است که به سمت تصمیمات کوتاه مدت حرکت کنند نمی‌توان تغییر داد؟ یقیناً می‌توان چنین کرد. اگر به عنوان مثال از این نظام انتخاباتی اکثریتی تک حوزه‌ای به سوی نظام انتخابات تناسبی برویم آیا انگیزه سیاستمداران تغییر نمی‌کند؟ تجربه و علم اقتصاد سیاسی نشان می‌دهد که این کار باعث حرکت انگیزه سیاستمداران به سمت اتخاذ تصمیمات بلندمدت تر میشود.
- سیستم انتخابات تناسبی نیز به این گونه است که فرد فقط توسط یک حزب برای انتخابات مجلس معرفی می‌شود و تمامی احزاب قانونی که حق شرکت در انتخابات را داشته‌اند و شرکت کرده‌اند به میزان رای که کسب کرده‌اند در پارلمان کرسی خواهند داشت در نتیجه به جای اینکه انتخاب‌ها وابسته به عملکردهای فردی باشد وابسته به عملکردهای حزبی است و آنچه ارزیابی می‌شود برنند یک حزب است که قرار است سالیان سال بماند نه عملکرد یک فرد در یک بازه زمانی چهار ساله. بنابراین با تغییر نظام انتخابات می‌توانیم انگیزه‌های سیاستمدارانمان را به سمت تصمیمات بلندمدت تر سوق بدهیم.

کوتاه شدن افق تصمیم‌گیری‌ها

- کشورهایی که در بودجه ریزی به سمت بودجه ریزی‌های پیشرفته‌تر حرکت کرده‌اند نظام تصمیم‌گیری بلندمدت‌تری هم داشته‌اند. در شرایط کنونی مدیران کشور می‌خواهند در بازه‌های چهار ساله هرچه منبع داریم و نداریم را خرج کنند. نفت داشته باشیم سریع می‌فروشیم و خرج می‌کنیم، نفت نداشته باشیم استقراض می‌کنیم و خرج می‌کنیم، تورم ایجاد می‌شود و برای بعدی‌ها می‌ماند. **بنابراین تغییر و اصلاح قانون انتخابات می‌تواند کمک کند که باقی اصلاحات مورد نظر مثل اصلاحات بودجه‌ای انجام شود.**

- ایجاد یک خزانه واحد یا یک نظام واحد بودجه ریزی** مسئله‌ای است که علی‌رغم آنکه در کتب نظری درباره آن صحبت شده اما هنوز اهمیت آن برای عموم جامعه و همین‌طور سیاستمداران درک نشده است. به همین دلیل به نظر می‌رسد همان‌طور که توصیه‌های بین‌المللی و علوم نظری نشان می‌دهد لازم است ابتدا یک اجماع نظری ابتدا بین دانشگاهیان و سپس سیاستمداران برای انجام اصلاحات بودجه‌ای فراهم کنیم. این‌طور نیست که بگوییم همه این را می‌دانند و فقط مشکل در اجرا نشدن آن است. تجربه نشان داده که خیلی از نمایندگان مجلس، وزرا و یا اعضای مجمع تشخیص با بسیاری از این مفاهیم اصلاً آشنایی ندارند.

کوتاه شدن افق تصمیم‌گیری‌ها

- اول از همه باید توضیح بدهیم منظور ما از این نظام یکپارچه چیست. منظور این است که دولت هزینه‌های ضروری که برای اداره کشور لازم می‌داند را با همه ابزارهای فنی که باعث ارتقاء کارایی دولت می‌شود یا حداقل هزینه‌های ضروری دولت را احصا کند، آنوقت بگوید ما با همه روش‌هایی که برای افزایش بهره‌وری سراغ داریم این مبلغ مشخص را برای اداره کشور نیاز داریم و اولویت‌های ما نیز این است. یعنی با این اولویت‌ها برپایه قانون اساسی از مردم رای گرفته‌ام و حالا باید اجرایش کنم. برای پوشش این هزینه‌ها چقدر می‌توانم مالیات بگیرم، چقدر می‌توانم پایه‌های مالیاتی جدید اضافه کنم، آنچه که کسری ماند به عنوان کسری غیرنفتی واقعی نشان بدهد. این مهمترین قدم برای اصلاح نظام اقتصادی و اصلاح نظام بودجه ریزی است. آنوقت باید شفاف به مردم بگویم ای مردم، من به عنوان دولتی که از شما رای گرفته‌ام، این میزان هزینه دارم، این مقدار هم توانسته‌ام مالیات بگیرم، این قدر هم کسری آورده‌ام. آیا نفت را استفاده کنیم یا استقراض کنیم؟ اگر قرار است نفت بفروشیم آن را با چه قیمتی در داخل بفروشیم؟ آیا با قیمتی بفروشیم که همه این هزینه‌ها جبران شود یا نه؟ آن درآمد نفت صادراتی را به چه نرخ ارزی تبدیل کنیم؟ هر نرخ ارزی که بگذارم چه تاثیری بر زندگی شما خواهد داشت؟ مطرح شدن این موضوعات، یعنی کنترل هزینه‌های بودجه و پوشش تاحد امکان آن توسط مالیات، و تعریف آن به عنوان کسری بودجه غیرنفتی برای مردم و درگیر کردن نمایندگان مردم و رقابت دولت‌ها برای ابداع روش‌های بهتر یا کم‌ضررتر برای پوشش این کسری بودجه غیرنفتی، سبب معنادار شدن نظام مالی واحد می‌شود و مشخص می‌شود به چه سوالاتی باید پاسخ داده شود. در چنین وضعیتی رقابت سیاسی احزاب واقعا شکل می‌گیرد.

مروری بر راه حل ها

در کوتاه مدت: ایجاد ثبات با مهار تورم

مدیریت نقدینگی مخرب با:

- مدیریت سرعت رشد نقدینگی؛
- رصد و کنترل نقدینگی و تراکنشهای عمده بانکی (درون بانکی و بین بانکی) با اجرای کامل قواعد و اقدامات مرتبط با مقابله با پولشویی در کشور با هدف کنترل حملات سفته بازانه به بازارهای دارایی /
- منوط کردن انجام تراکنش (از سقف مشخصی بیشتر) به اظهار مقصد تراکنش به منظور مدیریت تراکنشهای با هدف سفته بازی

در کوتاه مدت: ایجاد ثبات با مهار بازار ارز

حذف محدودیت قیمت برای عرضه ارز در نیما و مدیریت نرخ نیما از طریق مدیریت عرضه و تقاضای ارز با هدف تشویق صادرکنندگان به بازگشت ارز حاصل از صادرات

اولویت بندی متقاضیان ارز متناسب با پیش بینی منابع و مصارف ارزی و تعیین تکلیف آنها و ثبات در مقررات و سهولت در تامین ارز

استفاده حداکثری از ظرفیت دیپلماسی اقتصادی، سیاسی و تجاری جهت تسهیل حواله های ارزی در سلیمانیه، چین و...

در کوتاه مدت: افزایش قدرت مقاومت مردم

تدوین سیاست های جبرانی برای حمایت از خانوارهای فاقد کسب و کار و همچنین خانوارهایی که کسب و کار داشته ولی گرفتار رکود هستند

تضمین سبد کالاهای اساسی برای حداقل ۴ دهک اول از طریق رفاه کارت الکترونیک (عرضه مستقیم کالای معین) یا پرداخت مابه التفاوت به مصرف کنندگان از طریق منابع حاصل از فروش بخشی از ارز در سامانه نیما

اشراف اطلاعاتی بر گلوگاههای توزیع کالا (نظیر اتحادیه های بازرگری و عمده فروشی ها و...) با هدف دسترسی فیزیکی به کالاها و در صورت عدم کارایی، واردات مستقیم کالاها توسط دولت و توزیع مستقیم آن

تعیین حداقل دستمزد به تناسب مناطق

عدم ایجاد مزاحمت برای مشاغل غیررسمی (کم سرمایه و دستفروشان)

در میان مدت: اعمال سیاستهای تسهیل کننده کسب و کار

- تجدیدنظر در سیاستهای مالیاتی به نفع قاطبه مردم و با هدف کاهش انگیزه های سوادگری:

- مالیات بر عایدی سرمایه (بخش مسکن)

- مالیات بر ارزش زمین (LVT)

- مالیات بر مبادلات ارزی

- مالیات بر سود سپرده

- مالیات بر مجموع درآمد

- مالیات بر خانه های خالی

- فراهم کردن امکان تبدیل نشان (برند) شرکتها به دارایی

- کاهش مالیات بر سود و افزایش مالیات بر مجموع درآمد خانوار (با هدف کاهش فشار مالی بر بنگاههای تولیدی)

در میان مدت: اعمال سیاستهای تسهیل کننده کسب و کار

- حذف مطلوبیت فساد و قاچاق
- حذف همه مجوزهای بی وجه و رفع انحصار از بازارهای مختلف با اجرای کامل قانون اصل ۴۴
- پرهیز از سرکوبهای قیمتی بدون توجه کافی به قیمت تمام شده تولید که موجب تداوم توقف تولید شود
- حمایت از گردشگری، توریسم درمانی و سایر خدمات اشتغالزا
- اصلاح و ساده سازی مقررات، دستورالعملها و بخشنامه های منبعث از قوانین مالیاتی / ایجاد سیستم های هوشمند برای پذیرش اظهارنامه مالیاتی ۸۰ درصد مودیان خوش حساب
- پرهیز از اجرای تصمیم های غافلگیرکننده و اعلام عمومی هرگونه تغییر در سیاستها در زمان مقتضی قبل از اجرا

در میان مدت: جهش تولید

- هدف گذاری چند پروژه موجود یا پروژه های بزرگ جدید (طرح های ترانزیتی، مسکن، انرژی و...) و تامین مالی از طریق گواهی سپرده یا صندوق پروژه (در صورت نیاز با تضمین دولت) یا انتشار اوراق دولتی
- تأمین مالی طرح های عمرانی استانی از طریق تخصیص ۳ درصد مالیات بر ارزش افزوده به استانداری ها
- تعریف درآمدهای جدید و پایدار برای شهرداری های از محل مالیات بر مستغلات و زمین
- واریز همه درآمدهای نفتی صادراتی به صندوق توسعه ملی
- تأمین مالی طرح های عمرانی ملی با استفاده از اهرم کردن منابع صندوق توسعه ملی در بانک های توسعه ای و مشارکت عمومی و خصوصی

در میان مدت:

تبدیل مسابقه تلاش برای عقب نماندن به مسابقه برای کار و تلاش

- پرهزینه کردن فعالیتهای سوداگرانه
- آسان کردن کار و تلاش و یا بهبود محیط کسب و کار
- تصحیح فرهنگ اقتصادی کشور. لازم به ذکر است که تنها کشورهای دارای یک نظام ارزشی مناسب قادر به توسعه سریع و پایدار هستند.
- تلاش برای رهایی از باور بچه پولدار ملی: تعبیری که مقام معظم رهبری دارند **بچه پولدار ملی** بود نه **بچه پولدار دولتی**.
- این بدین معنی است که خطاب تنها به دولت نیست بلکه به "ملت" هم هست

تبدیل مسابقه تلاش برای عقب نماندن به مسابقه برای کار و تلاش

- «کالای ایرانی» واژه ای همگن نیست. بسیاری از کالاهای ایرانی اساساً نیاز به ترویج ندارند و قدرت مسلط بازار هستند، مانند بسیاری از محصولات کشاورزی (برنج، پسته، زعفران)، بسیاری از صنایع دستی (فرش) بسیاری از محصولات لبنی (ماست و بستنی)، بسیاری از نهاده های ساختمانی (سیمان، کاشی، سرامیک)؛
- برخی از کالاهای ایرانی در رقابت با کالاهای مشابه خارجی شانس کمی برای موفقیت در بازار دارند و این کالاها نیاز به حمایت و یا «ترویج» دارند، مانند پوشاک، دارو و خودرو؛
- چرا کالاهای مذکور در بازار داخلی موفق نیستند؟
- رویکرد فنی: به سبب ضعف فناوری کیفیت مناسب ندارند، مانند تلفن همراه؛
- رویکرد اقتصادی: شرایط اقتصادی کشور به گونه ای است که آن محصولات گران تمام میشود، مانند پوشاک؛
- رویکرد اقتصاد سیاسی: شبکه واردکنندگان اجازه موفقیت تولیدکنندگان داخلی آن محصول را نمی‌دهد؛
- رویکرد فرهنگی (ارزشها، نگرشها، باورها، سوگیری ها و فرضیات رایج در میان افراد یک جامعه):

تبدیل مسابقه تلاش برای عقب نماندن به مسابقه برای کار و تلاش

- بسیاری از مردم تمایلی به استفاده از کالاهای مذکور را نداشته و به دنبال کالای خارجی و عمدتاً برند هستند. چرا؟
- الف- تمایل به شبیه شدن به غربی ها (به ویژه در مصرف پوشاک) (چرا شبیه شدن به غربی ها ارزش است؟)
- چون فکر می کنند غربی شدن نشانه پیشرفت است.
- چون با نظام سیاسی حاکم مخالف هستند از هر نظام ارزش دیگر که مورد تقبیح نظام حاکم است بیشتر تبعیت می کنند.

تبدیل مسابقه تلاش برای عقب نماندن به مسابقه برای کار و تلاش

- ب-تمایل به برتری طلبی و تفاخر (به ویژه در استفاده از اتومبیل) (چرا برخی افراد به دنبال تفاخر و برتری طلبی با مصرف تجملی هستند؟)
- چون در نظام ارزشی آنها اساساً ملاک برتری داشتن ثروت بیشتر است. (در مورد مترفین) (چرا نظام ارزش آنها اینگونه شکل گرفته است؟) (شاید به سبب عدم اعتقاد به معاد)
- چون می‌خواهند شبیه ثروتمندان شوند تا مورد احترام قرار گیرند. (در مورد عامه مردم) چون باور دارند اگر اینگونه مصرف نکنند، بقیه فکر می‌کنند که فقیر هستند و در نتیجه احترام لازم را نخواهند داشت. (چرا در جامعه پولدار بودن ارزش شده و دلیل احترام به افراد می‌شود؟)
- تغییر نظام ارزشی جامعه به طوری که ثروت مادی اساساً ملاک برتری است. (عدم اعتقاد به معاد)
- پاسخ دکتر رفیع پور در کتاب توسعه و تضاد: اگر در جامعه‌ای فقر گسترش یابد، ثروت در جامعه با ارزش می‌شود. در نتیجه، نمایش ثروت مطلوب می‌شود. فرآیند با ارزش شدن ثروت، تغییر نظام ارزشی جامعه را تشدید کرده و یکی از پیامدهای آن افزایش حقوق اجتماعی ثروتمندان می‌شود. (ممکن است گسترش فقر در جامعه‌ای که فقر را ارزش بداند این اثر را نداشته باشد.)
- ساختارهای جامعه به گونه‌ای شکل گرفته است که برای موفقیت چاره‌ای جز ثروتمندی یا تظاهر به آن وجود ندارد. بدین معنا که وقتی نظام اداری برای احقاق حقوق اولیه هر فرد در مانده می‌شود، دریافت خدمات نیازمند پرداخت رشوه و یا جلب طمع مقام دولتی است. (ناکارآمدی بخش عمومی)

تبدیل مسابقه تلاش برای عقب نماندن به مسابقه برای کار و تلاش

- در مجموع، برای ترویج کالاهای ایرانی ای که بازار مناسبی ندارند چه اقدامات فرهنگی ای می توان انجام داد؟ اگر منظور از فرهنگ باورها و عادت و رسوم مردم است. می توان گفت:

- تقویت اعتقاد به معاد و ترویج ارزش های اسلامی

- کارآمدی بخش عمومی

- جلوگیری از گسترش نابرابری

مصرف تظاهری طبقه مرفه سبب افزایش احساس تحقیر در بین عامه مردم شده و این نابرابری احساس شده (که ممکن است بیشتر از نابرابری واقعی باشد) می تواند سبب:

شورش طبقه غیر برخوردار علیه مترفین؛

(در صورت عدم توانایی یا عدم تمایل برای نابود کردن آنها) تلاش برای شبیه شدن به آنها شود.

در میان مدت:

بازآفرینی دولت منسجم، سالم، هوشمند و چابک

= افزایش اعتماد مردم به دولت

- نمی توان شعار قطع وابستگی بودجه به نفت داد و در عمل هرساله وابستگی بودجه به نفت را تعمیق کرد.
- نمی توان شعار خصوصی سازی داد و در عمل خاص سازی و خصولتی سازی کرد و با قدرت به قیمتگذاری دستوری پرداخت.
- نمی توان دم از اقتصاد مقاومتی زد و در عمل وابستگی تولید به واردات را افزایش داد.
- نمی توان در پی افزایش جمعیت بود و در عین حال افزایش تقاضای نیروی کار شکل نگیرد.

نظریه ما درباره دولت: دولت کارآمد

• دولت کارآمد دولتی است که:

- ✓ سیاست ها و برنامه های خود را با سرعت و دقت به نتیجه برساند؛
- ✓ می تواند بر نحوه عملکرد دستگاه های دولتی و شرکت های زیر مجموعه خود نظارت کند؛
- ✓ روابط دولت با بازار و بخش خصوصی را تنظیم کند؛
- ✓ در فضای کسب و کار رقابت سالم ایجاد کند؛
- ✓ از بروز رانت و انحصار جلوگیری کند.

رسالت دولت کارآمد

- طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران رسالت دولت:
تأمین نیازهای اساسی همه مردم است.
- در منظر قانون اساسی نیازهای اساسی هر فرد شامل موارد زیر است:
 - مسکن،
 - خوراک،
 - پوشاک،
 - بهداشت،
 - آموزش، امکانات لازم برای تشکیل خانواده،
 - کار مناسب،
 - بیمه
 - ورزش.
- تأمین این نیازها یکی از ملزومات «ریشه کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، با حفظ آزادی او» معرفی شده است.

ویژگی یا مدل دولت کارآمد

- اگر بپذیریم که در چهارچوب قانون اساسی مدل اقتصادی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر تأمین نیازهای اساسی مردم است در این صورت دولت کارآمد در جمهوری اسلامی ایران دولتی است که بتواند این نیازها را تأمین کند.
- در اینجا کوچک یا بزرگ بودن دولت، تمرکز زدایی یا تمرکز گرایی روشی برای تأمین نیازهای اساسی است.
- دولت کارآمد نگران دخالت در اقتصاد نیست بلکه نگران چگونگی دخالت در اقتصاد است.
- نحوه دخالت باید به گونه ای باشد که عملکردهای بنیادین بازار و بخش خصوصی آسیب نبیند و در همان حال حاکمیت اقتصادی از دست دولت (حکومت) خارج نشود.
- چگونگی ایجاد اطمینان هنر مدیران و سیاست گذاران کارگشته است که با فراهم کردن اجماع لازم در نظام تصمیم گیری حاصل می شود.

در میان مدت: مبارزه با فساد و ارتقا شفافیت

● اجرای احکام برنامه ششم توسعه در زمینه شفافیت به ویژه:

○ شفافیت حقوق مقامات (ماده ۲۹)

○ سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ماده ۹)

○ سامانه‌های مالیات الکترونیکی، معاملات دولتی الکترونیکی (شامل مناقصه، مزایده، خرید کالا) و سلامت الکترونیکی (ماده ۶۸)

● تجمیع بانکهای اطلاعاتی مالیاتی، بانکها، گمرک، ثبت، سامانه جامع تجارت و.. به منظور کنترل فساد، پولشویی، فرار مالیاتی

● تصویب و اجرای قوانین مدیریت تعارض منافع و حمایت از افشاکنندگان فساد

● اجرایی شدن تفکیک حسابهای شخصی از حسابهای تجاری و توسعه اشراف سازمان امور مالیاتی و بانک مرکزی بر حسابهای تجاری

در میان مدت: مبارزه با فساد و ارتقا شفافیت

- شفاف کردن زوایای پنهان اقتصاد ایران از جمله:
- مالکیت بنگاه ها (که بسیاری از آنها دقیقا معلوم نیست مال چه کسی است؛ مانند سهام عدالت، خرید سهام شرکت مادر به وسیله زیرمجموعه که به معنای تسلط هیأت مدیره بر بنگاه است، به جای تسلط مجمع عمومی بر بنگاه)
- محل واقعی هزینه کرد بودجه های عمومی (از مصرف کننده نهایی بودجه گرفته تا حقوق و
- مزایای نقدی و غیرنقدی مدیران)
- برگزاری دقیق و روشن مناقصات عمومی و انتشار اطلاعات مرتبط قبل و بعد از برگزاری و...

در بلند مدت: طراحی برنامه توسعه صنعتی کشور

- با تدوین برنامه هدایت اعتبار به منظور حمایت موثر از تولید داخل، بر اساس مشارکت عامه مردم نه بنگاه های بزرگ
- بر اساس تولید فناوری در داخل کشور با توجه به درگیری طولانی مدت جبهه مقاومت با جبهه استکبار
- تعرفه گذاری بر اساس برنامه توسعه صنعتی کشور به منظور متخصص شدن در تولید محصولات مورد نیاز ۱۵ کشور همسایه

در بلند مدت:

تبدیل صنعت نفت به محور توسعه صنعتی کشور

- تغییر سیاست از فروش نفت و گاز خام به فروش فراورده ها
- تبدیل نفت و گاز به محصولات دارای ارزش افزوده بیشتر در داخل کشور = اجتناب از خام فروشی
- تعیین قیمت نفت و گاز در بورس انرژی به ریال
- طراحی همه برنامه های دانشگاهی؛ مدیریت فناوری و هدایت اعتبار برای تحقق آن

در بلند مدت: ارتقاء بهره وری

ارتقاء بهره وری:

- رفاه یک ملت بر مبنای بهره وری آن کشور در استفاده از منابع است.
- بهره وری سطح **دستمزد و سود سرمایه (درآمد سرانه)** را تعیین می کند.

نقش دولت در الگوی بهره‌وری؟

- ایجاد یک محیط قابل پیش بینی قضایی، سیاسی و با در نظر گرفتن اصول اقتصاد کلان
- فراهم کردن منابع انسانی تحصیل کرده
- زیر ساخت‌های کارآمد فیزیکی
- قوانینی برای نظارت بر شرایط رقابتی
- توسعه خوشه‌ها

چرا راه حل ها اجرایی نمیشود:

- وجود پدیده تعارض منافع در بسیاری از افراد یا نهادهای تصمیم گیر و سیاستگذار
- کوتاه شدن افق سیاستمداران به سبب ساختار انتخابات ریاست جمهوری مبتنی بر افراد نه احزاب
- اولویت یافتن منافع فردی و منطقه‌ای بر منافع ملی به سبب ساختار انتخابات مجلس
- پنهان سازی اطلاعات حیاتی کشور
- نداشتن نظریه ای هماهنگ، منسجم و پویا برای پاسخ به مسائل کشور